###### 28



دانشكدة روانشناسي و علوم تربيتي

پايان نامه جهت اخذ درجه كارشناسي ارشد در رشته برنامه ريزي آموزشي

عنوان:

بررسي ارتباط آموزشهاي فني و حرفه اي رسمي (بخش صنعت) با نيازهاي بازار كار از ديدگاه مديران

استاد راهنما:

استاد مشاور:

پژوهشگر:

فصل اول

كليات تحقيق

**مقدمه**

تاريخ رشد و توسعه اقتصادي، با هماهنگي و تركيب دانش فني و به كارگيري منابع و نيز وابستگي روزافزون به كاربرد تكنولوژي همراه بوده است.

استفاده از تكنولوژي و دانش فني در سازمانها، شركتها و جوامع همواره متفاوت بوده و تا حدود زيادي بستگي به جديت و مهارتهاي خلاق منابع انساني و عوامل فرهنگي و اجتماعي داشته است. (سبحان الهي، مديريت و توسعه)

عملكرد يك سازمان وقتي مي تواند مطلوب و مناسب باشد كه نيروهايي ذيصلاح و با كيفيت در آن وجود داشته باشند و سازمان بتواند از آن در مناسب ترين شغل استفاده كند.

در واقع نيروي پيش برندة ماشين و تكنولوژي انسانها هستند. امروزه براي ادامة حيات در بازار رقابت فقط استفاده از تكنولوژي و دانش فني كافي نيست، چرا كه سرعت رشد به اندازه اي است كه فرصت يادگيري را بسيار كوتاهتر و درنتيجه، استفادة به موقع و به روز از تكنولوژي را براي رقابت پيچيده تر كرده است. لذا توليد دانش فني و تكنولوژي براي رقابت، از عوامل اساسي براي ادامة حيات هر سازمان، شركت و جامعه محسوب مي شود.

اين كار فقط با منابع انساني مستعد و با كيفيت و در اختيار داشتن ابزار مناسب و لازم عملي است. لذا ثروت اساسي يك سازمان، نيروي انساني با دانش و مهارت (يعني سرمايه هاي فكري) آن سازمان است.

علي رغم نقش كليدي آموزش فني و حرفه اي در توسعه اقتصادي و اجتماعي كشور كه مورد اذعان و حتي تاكيد اغلب سياستمداران و صاحبنظران است. اين آموزش هاي پرهزينه از لحاظ پاسخ گوئي به انتظارات جامعه و سؤال اصلي نظام آموزشي (= چه آموزشي با چه كيفيتي و به چه ميزان؟?) در موقعيت قابل دفاع قرار ندارد. زيرا هرساله خسارت هاي بسيار زيادي از اين بابت به كشور وارد مي آيد ولي اين روند رو به رشد تداوم دارد، كه اين وضعيت ريشه در نگرش نادرست به آموزش فني و حرفه اي دارد. علت بروز معضل آموزش فني و حرفه اي اين است كه به هر صورت، تعاملي بودن اين آموزش ها به دست فراموشي سپرده شده است. مجريان آموزش فني و حرفه اي، آن را پديده اي صرفاً آموزشي مي بينند. تصميمات آموزشي تنها توسط مقامات آموزشي و اغلب بدون اطلاع كافي از نيازهاي شغلي و نظر طرف هاي ذينفع اتخاذ مي شود. (ملكي، 1381، صفحة 186)

آموزش به حكم انجام تكليف، عادت، امكانات موجود و يا روحيه توسعه طلبي تحقق مي يابد و بر همين اساس نيز به سؤالات اصلي نظام آموزش فني و حرفه اي پاسخ داده مي شود. اما آموزش فني و حرفه اي داراي دو وجه توأمان آموزشي و شغلي است كه ميان آنها به صورت بالقوه تعامل برقرار است. لذا مزيت قابليت استفاده از اطلاعات بازخوردي و مكانيسم خوداصلاحي مي تواند در عمل وجود داشته باشد. در آموزش فني و حرفه اي نظامند زمينه مشاركت در تصميم گيري و انجام هزينه فراهم است.

رشته هاي آموزشي، مواد آموزشي، تعداد آموزش گيرنده، محل اشتغال و … از نتيجه تعامل و عوامل طرف هاي آموزشي (دستگاهاي مجري آموزش) و طرف هاي شغلي (دستگاههاي بهره بردار از محصول آموزش، كارآموزان، اوليا، كارفرمايان و …) تعيين مي شود.

لذا نواقص و اشكالات آموزش به تدريج در طول زمان رفع مي شود و ناهماهنگي دانش و توانمنديهاي آموزش ديدگان فني و حرفه اي از لحاظ كمي و كيفي و از نظر مكاني يا زماني با خواسته متقاضيان كم تر رخ خواهد داد. به اين دلايل تعاملي ديدن آموزش فني و حرفه اي و فراهم كردن امكان تحقق هرچه بيشتر آن، اساسي ترين قدم براي اصلاح اين آموزش ها خواهد بود.

**بيان مسئله:**

چنين به نظر مي رسد كه هنرجويان فني و حرفه اي به جايگاه و پايگاه شغلي قابل ملاحظه اي كه نمود موجهي در بازار كار كشور داتشه باشد، دست نيافته‌اند. و به رغم هزينه هاي سرشاري كه صرف تجهيز اين نيروها شده، در بازار كار ايران بها و اهميت مناسبي بدان داده نشده است، در حالي كه، از طريق تجهيز و تربيت اين گونه نيروها مي توان سريع تر به پيشرفت هاي اقتصادي و اجتماعي مورد نظر رسيد. چون آموزش هاي فني و حرفه اي، در قياس با آموزش هاي عالي از مزيت و قابليتهايي به شرح زير برخوردار است:

الف) هزينه بري اقتصادي كمتر فرآيند تجهيزات

ب) بازدهي سريع تر اقتصادي

ج) پاسخ دهي و ارضاء سريع تر نيازها و احتياجات فوري و آني بازار كار به مهارت ها و حرفه ها

د) انعطاف پذيري و قابليت انطباق با تغييرات تكنولوژي

هـ) تنها منبع تكميل كننده حلقه ارتباطي بين نيروي انساني سطوح بالا و سطوح پائين جامعه شغلي

و) بالا بودن زمينه هاي خوداتكايي شغلي و كار‏آفريني و در نتيجه وابستگي كمتر به نظام هاي مزد و حقوق بگيري و …

شايد به خاطر همين ويژگي هاي ارزنده است كه امروزه در بسياري از جوامع در حال رشد به خصوص آن ها كه دچار تنگناهاي مالي و سرمايه اي شديدتري، هستند، ايجاد انگيزه هايي كه مشوق روي آوري و گرايش منابع انساني به آموزش هاي فني و حرفه اي شود، به كانوني ترين دلمشغولي هاي سياست هاي توأم آموزش و اشتغال و مطمئن ترين راه غلبه بر بحران هاي ناشي از كمبود كادرهاي ماهر و پديده شكل گيري مازاد نيروي كار تبديل شده است. (متوسلي، صفحه 24)

آنچه اين تحقيق به دنبال آن است، بررسي ارتباط آموزشهاي فني و حرفه اي رسمي (رشته هاي الكترونيك و الكتروتكنيك) با نيازهاي بازار كار مي باشد. در اين تحقيق ديدگاه مديران توليد، فني و آموزش كارخانه ها و مؤسسات توليدي، به دليل مشاهدة عيني و عملي دانش و مهارت فارغ التحصيلان اين رشته ها و همچنين مطلع بودن از ميزان دانش و مهارت مورد نياز در صنايع، با توجه به تغييرات تكنولوژي، مورد بررسي و پژوهش قرار گرفته است.

**اهميت و ضرورت پژوهش**

در مسير انتقال نوين و متغير تكنولوژي و صنعت در هزاره سوم كه بنيانهاي فلسفي، علمي، فرهنگي، اجتماعي و اقتصادي جوامع دچار دگرگونيهاي عميق خواهد شد و جوامع بشري عملاً ويژگي هاي دورة پست مدرنيسم را در خود تجلي مي دهند، جوامع با چالش هاي متعددي مواجه خواهند شد.

نظام آموزشي مي تواند در انطباق، هماهنگي و اعتدال مجدد جوامع با شرايط جديد نقش مهمي را ايفا نمايد. در اين رهگذر يكي از مقولات مهم، رسالت بسيار اساسي نظام آموزشي، فراهم كردن شرايطي است كه در آن نيروهاي تحصيلكرده بتوانند از مهارتها، توانائيها و قابليت هاي كليدي متناسب با نيازها و شرايط دنياي صنعت و بازار مشاغل فردا برخوردار شوند. (عزيزي، 1381)

بنابراين بايد با تحقيق و پژوهش در مورد دانش ها و مهارتهاي مورد نياز بازار كار، برنامه هاي آموزش فني و حرفه اي به سوي همگام شدن با پيشرفت هاي تكنولوژي سوق داده شود، تا با تربيت نيروي انساني كارآمد كه يكي از مؤلفه هاي مهم توسعه مي باشد، ميزان رشد و توسعة اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي كشور را تسهيل و تسريع نمائيم.

**اهداف تحقيق:**

اهداف اين تحقيق شامل:

1. بررسي ميزان دانش و مهارت فارغ التحصيلان رشته هاي الكترونيك و الكتروتكنيك، هنرستانهاي رسمي.
2. بررسي ميزان مطلع بودن مديران صنايع مؤسسات توليدي الكترونيك از برنامه هاي آموزشي هنرستانهاي فني و حرفه اي رسمي.
3. بررسي ميزان تطابق مهارتهاي آموزشي فارغ التحصيلان فني و حرفه اي رسمي (رشته هاي الكترونيك و الكتروتكنيك) با پيشرفتهاي فناوري
4. بررسي نقش، فناوري اطلاعات و ارتباطات (ICT) در كمك كردن به انطباق بيشتر دانش و مهارت تخصصي اين فارغ التحصيلان با نيازهاي بازار كار.

اين تحقيق در تبيين و ارائه راهكارهاي مناسب، جهت تربيت و آموزش نيروهاي ماهري كه مطابقت بيشتري با نيازهاي بازار كار و پيشرفت فناوري روز داشته باشند، تأثيرگذار خواهد بود.

**سؤالات تحقيق:**

1. از نظر مديران صنايع (مديران فني، توليد و آموزش)، فارغ التحصيلان فني و حرفه اي رسمي رشتة الكترونيك، تا چه اندازه از دانش كافي جهت اشتغال در مراكز صنعتي مرتبط، برخوردار هستند؟
2. از نظر مديران صنايع (مديران فني، توليد و آموزش)، فارغ التحصيلان فني و حرفه اي رسمي رشته الكتروتكنيك، تا چه اندازه از دانش كافي جهت اشتغال در مراكز صنعتي مرتبط برخوردار هستند؟
3. از نظر مديران صنايع (مديران فني، توليد و آموزش)، فارغ التحصيلان فني و حرفه اي رسمي رشتة الكترونيك، تا چه اندازه از مهارت جهت اشتغال در مراكز صنعتي مرتبط برخوردار هستند؟
4. از نظر مديران صنايع (مديران فني، توليد و آموزش)، فارغ التحصيلان فني و حرفه اي رسمي رشتة الكتروتكنيك، تا چه اندازه از مهارت كافي جهت اشتغال در مراكز صنعتي مرتبط برخوردار هستند؟
5. تا چه اندازه مديران صنايع (مديران فني، توليد و آموزش) مناطق 9 و 10 شهر تهران (مؤسسات و كارخانه هاي مرتبط با رشته هاي الكترونيك و الكتروتكنيك) نسبت به برنامه هاي آموزشي مراكز آموزش فني و حرفه اي رسمي شناخت دارند؟
6. از نظر مديران صنايع (مديران فني، توليد و آموزش)، كارخانه ها و مؤسسات مرتبط مناطق. 9 و 10 شهر تهران، تا چه اندازه مهارتهاي آموزشي فارغ التحصيلان مراكز آموزشي فني و حرفه اي رسمي (رشته هاي الكترونيك و الكتروتكنيك)، با پيشرفتهاي فناوري قابل انطباق است؟
7. از نظر مديران صنايع (مديران فني، توليد و آموزش) شهر تهران، مهارت داشتن فارغ التحصيلان هنرستانهاي فني و حرفه اي رسمي (رشته هاي الكترونيك و الكتروتكنيك) در فناوري هاي اطلاعات و ارتباطات (ICT) تا چه اندازه مي تواند به انطباق بيشتر دانش و مهارت تخصصي آنها با نيازهاي بازار كار، تأثير داشته باشد؟